



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اوامر

تاریخ: ۳/ اسفند/ ۱۳۹۵

موضوع جزئی: مقدمه واجب - مباحث مقدماتی - واجب معلق و منجز -

مصادف با: ۲۳ جمادی الاول ۱۴۳۸

وجه التزام صاحب فصول به واجب معلق

جلسه: ۷۲

سال هشتم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم واجب معلق و منجز به عنوان یک تقسیم برای واجب از ابتکارات صاحب فصول است و بزرگان نسبت به این تقسیم دو موضع اثبات و انکار در پیش گرفتند. مرحوم شیخ انصاری به حسب ظاهر این تقسیم را انکار کردند اما در مورد انکار ایشان نیز اختلاف واقع شده است. محقق خراسانی در صدد توجیه بر آمده و انکار ایشان را حمل بر انکار واجب مشروط مشهور کرده است و می گوید این واجب معلق همان واجب مشروطی است که خود ایشان به آن ملتزم شده اند، لذا انکار مرحوم شیخ انصاری انکار نام گذاری است، انکار اسم است؛ نه انکار واقع واجب معلق. در مقابل محقق خوبی می فرماید این انکار، انکار واقعی است نه انکار صرف تسمیه و نام گذاری. علی ای حال این بحث، در مورد نظر مرحوم شیخ در گرفته که بالاخره مرحوم شیخ، انصاری منکر قسمی به عنوان واجب معلق است یا نه؟

### بررسی نظر شیخ مبنی بر انکار واجب معلق

ظاهر عبارت ایشان از تعریف واجب مشروط این است که فی الجمله بر واجب معلق صاحب فصول منطبق است. لذا به نظر می رسد حق با محقق خراسانی است که مرحوم شیخ انصاری قصد ندارد اصل وجود چنین واجبی را با این خصوصیت انکار کند. زیرا مختصاتی که ایشان برای واجب مشروط ارائه می کند، تقریباً همان مختصاتی است که در واجب معلق، صاحب فصول بیان می کند و تنها تفاوت آن ها در سعه و ضیق آن قید و شرط است و الا حقیقتاً واجب معلق همان واجب مشروطی است که مرحوم شیخ انصاری بیان کرده اند نه واجب مشروط بناً علی تعریف مشهور.

### وجه التزام صاحب فصول به واجب معلق

مسئله مهم این است که چرا صاحب فصول مبادرت به این تقسیم کرد؟ فلسفه این که صاحب فصول یک قسمی به عنوان واجب معلق ابداع کرد چه بود؟ این فکر به چه دلیل در ذهن او پیدا شد و به چه منظوری این تقسیم انجام شد؟ اصل مسئله از این جا ناشی شده که بعضی از مقدمات که اصطلاحاً به آن مقدمات مفوته گفته می شود و بعداً در مورد آن بحث خواهیم کرد به نحوی هستند که اگر قبلاً فراهم نشوند امکان اتیان به واجب نیست. مثلاً حج که در اشهر حج واجب می شود و مکلف باید در ایام خاص در مکان مخصوص باشد تا بتواند این واجب را انجام بدهد، این نیاز به یک مقدماتی دارد و آن مقدمات باید از قبل فراهم بشود اگر این مقدمات زودتر فراهم نشود امکان عمل به واجب در زمان خودش نیست، مثلاً در زمان حاضر باید

گذرنامه و ویزا بگیرند و در کاروان ها ثبت نام کنند این امور باید ماه ها قبل از سفر حج باید فراهم شود. حال این شخص اگر بگوید هنوز حج بر من واجب نشده است زیرا حج ایام حج واجب می شود (فرض نیز این است که طبق نظر مشهور وجوب تا زمان حصول شرط فعلیت ندارد یعنی الان حج وجوب پیدا نکرده و وجوب حج در زمان خاص خودش است مثل یوم العرفه حج واجب می شود.) و لذا این مقدمات را الان انجام نمی دهم بلکه زمانی که وجوب فعلیت پیدا می کند آن ها را اتیان می کنم، این امکانش نیست. اگر بخواهیم در زمان حال این مقدمات را واجب بدانیم، چون ذی المقدمه واجب نشده نمی توانیم بگوییم مقدمات آن واجب می شوند. از طرف دیگر مقدماتی که به این نحو می باشند که اگر به تاخیر بیفتند تا ذی المقدمه وجوب پیدا کند موجب تفویت واجب می شوند. یعنی این مقدمات از یک طرف هنوز وجوب پیدا نکردند زیرا ذی المقدمه آن هنوز وجوب پیدا نکرده و تا ذی المقدمه واجب نشود مقدمه نیز واجب نمی شود و از یک طرف نیز اگر مکلف دست روی دست بگذارد و بخواهد در زمان پس از تحقق وجوب ذی المقدمه را انجام بدهد دیگر شرایط و اسبابش فراهم نیست، لذا واجب از کف مکلف می رود.

صاحب فصول برای فرار از این اشکالی که به واجب مشروط مشهور وارد می شود به گمان خودش واجبی را به نام واجب معلق اختراع کرده تا از این اشکال رهایی پیدا کند.

به عبارت فنی تر اگر ذی المقدمه مقید به قیدی شده باشد مثل اراده متعلق به حج که متوقف شده بر تحقق و رسیدن یک زمان خاص این اراده هنوز فعلیت پیدا نکرده یعنی مولا اراده فعلی به انجام حج ندارد. اگر اراده فعلی به انجام حج نداشت پس دیگر چیزی نیست تا بخواهد اراده ای نیز به مقدمات پدید بیاید پس نه ذی المقدمه الان وجوب دارد نه اراده ای نسبت به ذی المقدمه است و نه اراده ای به مقدمه. لذا اگر اراده ای نسبت به مقدمه نیست به چه دلیل مستطیع سراغ تهیه مقدمات و اخذ گذر نامه و ویزا و بلیط و بقیه مقدمات برود. یعنی اگر الان سراغ اتیان مقدمات نرود مرتکب عصیان نشده است. از آن طرف زمان حج که می رسد اگر حج نرود باز هم مرتکب عصیان نشده است زیرا امکانش نیست و چون قبل از آن وجوبی نبوده لذا عصیانی در کار نیست. این اشکال نسبت به واجب مشروط باعث شد که صاحب فصول به فکر بیفتد تا واجبی را اختراع کند که این مشکل را حل کند. زیرا از یک طرف طبق بعضی از روایات بعضی از مقدمات وجوب شرعی دارد، یعنی در بعضی از واجبات مشروط (نه همه واجبات مشروط.) قبل از تحقق شرط مقدماتش واجب است. پس ایشان با دو سه مسئله مواجه شده اند و به ناچار به واجبی به نام واجب معلق تن دادند. آن سه مسئله عبارتند از:

**مسئله اول:** هنوز ذی المقدمه وجوب پیدا نکرده است و اراده مولا نسبت به ذی المقدمه هنوز فعلیت پیدا نکرده است. زیرا وجوب طبق نظر مشهور تا زمانی که قید و شرط حاصل نشده است فعلیت ندارد و وجوب حج فقط زمان اشهر حج است.

**مسئله دوم:** مقدماتی که باید فراهم شود تا مکلف زمان حج به حج برود از الان باید فراهم شود و اگر در زمان حاضر آن ها را فراهم نکند در زمان فعلی شدن وجوب حج نمی تواند آن ها را فراهم کند. اما این مقدمات خودشان متعلق اراده مولا نیستند زیرا هنوز ذی المقدمه اش متعلق اراده مولا نشده است. وقتی ذی المقدمه متعلق اراده نبود و وجوب نداشت طبیعتاً این مقدمات نیز وجوب ندارد.

**مسئله سوم:** ظاهر بعضی ادله این است بعضی از واجبات مشروط مقدماتش وجوب دارد.

لذا ایشان در مواجهه با این سه مسئله واجب معلق را اختراع نموده و قائل شدند به ثبوت وجوب در واجب معلق قبل از حصول قید. نمیگویند همه واجبات مشروط این طور می باشند بلکه می فرمایند طبق نظر مشهور واجب مشروط واجبی است که وجوبش بعد از تحقق قید و شرط تحقق پیدا می کند و تا زمانی که قید نیامده وجوب ندارد واجب مطلق واجبی است که وجوبش از همین الان فعلی است. منتهی ایشان می فرماید: واجبی داریم به نام واجب معلق و واجب منجز و واجب معلق واجبی است که وجوبش فعلی است ولی متوقف بر یک امر غیر مقدور مکلف است که با آمدن آن قید مثل زمان واجب می شود. لذا برای فرار از این اشکال و اثبات وجوب بعضی از مقدمات قبل از حصول شرط این قسم را اختراع کرده است.

مثال هایی برای فائده و ثمره این تقسیم ذکر شده است:

### مثال اول: دفع اشکال از ایجاب مقدمات حج قبل از موسم.

قبل از موسم هنوز وجوب حج ثابت نشده است با این که مقدماتی دارد ولی چون خود ذی المقدمه وجوب ندارد، مقدمات نیز وجوب ندارد در حالی که این مکلف از قبل باید لوازم سفر و وسایل نقل و انتقال را برای خودش فراهم کند. حال اگر ما قائل به واجب معلق شویم این مشکل حل می شود چون صاحب فصول می گوید واجب معلق یعنی واجبی که وجوبش از الان فعلیت دارد واجب معلق واجبی است که متوقف بر یک امری است که مقدور برای مکلف نیست مثل زمان، با این که معلق بر یک شرطی شده ولی مقدور مکلف نیست لذا وجوب از اکنون فعلی است. حال اگر وجوب حج نسبت به زمان به این نحو فعلیت داشت پس فراهم کردن مقدماتش واجب می شود. به عبارت دیگر ایجاب مقدمات حج قبل از موسم تنها از راه واجب معلق محقق می شود. اگر ما قائل به واجب معلق نشویم نمی توانیم فراهم کردن مقدمات حج را قبل از موسم حج اثبات و تصحیح کنیم، تنها راه تصحیح وجوب مقدمات حج قبل از موسم التزام به واجب معلق است.

### مثال دوم: دفع اشکال از وجوب غسل بر مکلف در شب برای روزه فردا.

همانطور که می دانید برای روزه فردا این حائض باید غسل کند یا جنب برای این که بخواهد فردا روزه اش صحیح باشد باید قبلش غسل کند. روزه از فجر تا مغرب واجب است کسی که قبل از این زمان جنب است باید غسل کند. زیرا وقتی وارد صوم می شود حالت جنابت یا حیض نباید داشته باشد. این حالت جنابت در واقع مانع از اتصاف صوم به صحت است. اگر می خواهد صومش صحیح باشد و به واجب عمل کرده باشد باید قبلا غسل کند. اما زمانی که قصد غسل دارد هنوز صوم واجب نشده است، زیرا وقت وجوب صوم از فجر است. هنوز صوم واجب نشده است از یک طرف هم می گوئیم مکلف تا غسل نکند نمی تواند روزه بگیرد. خب هنوز روزه واجب نشده تا غسل بر او واجب بشود. مثلا کسی که میخواهد نماز بخواند و جنب است باید غسل جنابت کند، خب این غسل مقدمه است برای نماز. حال آیا قبل از اذان ظهر غسل جنابت بر او واجب است؟ خیر بلکه غسل جنابت مستحب است. تا زمان نماز فرا برسد به هر حال وجوب غسل برای جنب یا حائض قبل از وجوب صوم به چه ملاکی است زیرا هنوز خود صوم وجوب پیدا نکرده تا بخواهد غسل جنابت یا حیض واجب بشود. پس ما از یک طرف می بینیم این غسل ها واجب است تا روزه فردای مکلف صحیح بشود اما از طرف دیگر می بینیم هنوز خود روزه وجوب پیدا نکرده تا این غسل واجب بشود.

صاحب فصول برای دفع اشکال از وجوب غسل جنابت یا حیض جهت صحت روزه فردا به واجب معلق پناه آورده. لذا می فرماید اگر قائل به واجب معلق نگردیم و فعلیت و حالیت وجوب را در این موارد نپذیریم به مشکل بر می خوریم، اگر فعلیت و حالیت

و جوب صوم را از الان نپذیریم چگونه می خواهیم ملتزم شویم به وجوب غسل در شب و قبل از طلوع فجر. الصوم لا یجب الا من طلوع الفجر در حالی که غسل جنابت قبلش واجب است. لذا برای حل این مشکل ملتزم می شویم به این که وجوب صوم از همین الان محقق است. این می شود واجب معلق زیرا معلق بر یک امری است که برای مکلف غیر مقدور است. رسیدن زمان طلوع فجر در اختیار مکلف نیست همین که یک واجبی معلق بر چنین قیدی باشد اسمش می شود واجب معلق و از همین زمان وجوبش فعلیت دارد.

( با توجه به مطالب بیان شده ریشه واجب مشروط که مرحوم شیخ انصاری به آن قائل شده است همین واجب معلق است منتهی مرحوم شیخ انصاری به طور کلی ریشه ای مسئله را حل کرده و قائل به رجوع قید به ماده شده اند و دیگر بین امور مقدور و غیر مقدور تفکیک قائل نشده اند، لذا می گویند هر قیدی در جمله شرطیه به ماده رجوع می کند لذا همه جا وجوب فعلی و حالی است) مثال سوم: دفع اشکال از وجوب تعلم قبل از دخول وقت واجب.

شما می دانید احکام واجبات را باید فرا گرفت مثلاً کسی که می خواهد نماز بخواند واجب است که احکام نماز را فرا بگیرد. وجوب تعلم احکام واجب خودش واجب است زیرا عمل به واجب متوقف بر دانستن احکام آن است. اگر مکلف احکام واجب را نداند چگونه می خواهد به واجب عمل کند فرض کنید کسی امروز صبح بالغ می شود و قصد دارد از ظهر نماز بخواند بر او واجب است که احکام نماز را یاد بگیرد اما هنوز قبل از ظهر خود نماز بر او واجب نشده لذا وجوب نماز هنوز نیامده به چه دلیل باید احکام نماز را یاد بگیرد.

به عبارت دیگر مطابق قاعده باید بگوییم تعلم احکام قبل از وجوب نماز واجب نیست اما می بینیم در روایت وجوب تعلم بیان شده است، لذا با مشکل مواجه می شویم زیرا از یک طرف می گوییم قبل از وقت وجوب فعلیت ندارد از یک طرف در روایت آمده که قبل از زوال تعلم احکام نماز واجب است. آیا می شود قبل از این که خود وجوب محقق شود مقدمه اش وجوب پیدا کند. لذا برای دفع این اشکال یعنی وجوب تعلم قبل از دخول وقت واجب، صاحب فصول ملتزم به واجب معلق شده که متعلق به یک امر غیر مقدور می باشد که در این موارد وجوب قبل از تحقق آن وقت واجب حالیت و فعلیت دارد و از همین الان وجوب ثابت است مثال چهارم: دفع اشکال از وجوب ابقاء استطاعت بعد از اشهر حج.

اگر کسی مستطیع شد و زمان حج نیز بر او گذشت اما نرفت و عمل به واجب نکرد این جا این بحث پیش می آید که آیا حفظ استطاعت واجب است یا خیر؟

این جا می گویند حفظ استطاعت واجب است زیرا وجوب بر او مستقر شده است. اما سوال این است که چرا حفظ استطاعت واجب است در حالی که اشهر حج گذشته؟ ایشان می فرمایند: برای حج سال آینده لازم است که این استطاعت را حفظ کند زیرا واجب معلق واجبی است که قبل از آن وقت وجوبش فعلیت دارد.

این موارد فوائد و ثمراتی است که با التزام به واجب معلق ما میتوانیم این فوائد را جلب کنیم و این مشکلات را از سر راه برداریم.

«الحمد لله رب العالمین»